

موضوع: امید افزایی خطاب به طلاب شهرستان آباءه از استان فارس - اسفندماه نود و هشت

بسم الله الرحمن الرحيم

از حوزه مبارک امام جعفر صادق علیه السلام شهرستان آباءه صدیق گرامی ما استاد آقای فقیهی تماسی داشتند درخواستی داشتند مبنی بر اینکه در زمانی که درس ها به نوعی تعطیل است، و فضای کشور قدری ملتهب است برخی مطالب برای طلاب این حوزه بیان بشود من تشکر می کنم از مدیریت محترم تولید مکرم، و امیدوار هستم انشاءالله فرصتی پیش آید تا از نزدیک ما دوستان را طلاب گرامی اساتید را، مدیریت محترم را، تولید گرامی را آنجا ببینیم جناب آقای فقیهی مطالبی را مطرح کردند فرمودند که برخی از طلاب و نه همه گاهی دلسرد هستند، با تعبیر تندش احساس پوچی می کنند گاهی روی راه خودشان مسیر خودشان شک دارند می گویند نکند راه های بهتر و کوتاه تر که به هدف می رساند برای انسان باشد، و ما یک راهی را انتخاب کردیم پر زحمت، پر مؤونه و کم معونه، کمکمان نمی کند شاید برخی ها نسبت به برخی از مسائل اعتقادی، معنوی آن اهمیتی که باید بدهند نمی دهند برخی ها واقعاً می گویند آیا مرضی امام زمان هستیم آیا امام زمان از ما راضی هستند نکند طلبه هستیم ولی آقا امام زمان از ما راضی نباشند برخی ها می گویند چه کار کنیم نسبت به کسب دانش تشنگی پیدا نکنیم نه تشنگی مصنوعی نه اینکه بخواهیم برای امتحان بخوانیم، نه، آنگونه که در حق قدیمی ها می گویند که عشق داشتند به کار، این عشق چه جوری به دست می آید؟ ایشان نظرشان این بود که در این مسائل و مایه ها من برخی مطالب را برای طلاب محترم شهرستان بیان کنم . می دانید از تعارفات که بگذریم منطقه منطقه پر استعدادی است کلاً ایران ما اینگونه است آن منطقه هم از مناطق پر استعداد است اگر این استعداد فرسایش پیدا نکند می تواند فعلیت خوبی داشته باشد، از این جهت فکر می کنم آنچه بیان می شود هدر نمی رود منتها من مطلبی را معمولاً جاهای دیگری هم صحبت می کنم می گویم.

یک لحظه تفکر برتر از یک سال عبادت

طلاب، فضلا، آنچه من بیان می کنم روی آن فکر کنید اگر واقعاً دیدید حرف ها درست است همین است برخاسته از نصوص دینی است. اما تامل بکنید فکر ساعه، یک لحظه تفکر خیر من عبادت ساعه.

رسول خدا می فرمایند یک لحظه تفکر از یک سال عبادت بهتر است، تفکر است که آدم روی کارش مسیرش فکر کند، طلاب، حرفی که من می خواستم آخر بزنم بگذارید اول بگویم، من واقعاً تعجب می کنم که یک طلبه در دوران ما بگوید من دلسرد هستم نسبت به کارم ایمان ندارم احساس پوچی می کنم، راهی بهتر از این راه می بینیم، یا نسبت به اعتقاداتم شک دارم سست هست، تشنه نیستم برای کسب دانش، خدا می داند زره های مبالغه نمی کنم با همه وجودم تعجب می کنم، چرا؟ توضیح می دهم ببینید انسان که احساس پوچی می کند، به این دلیل است که از همان اول، سست است، تشنه نیست، نشاط ندارد یک پایه تمام انرژی نیست، چند تا دلیل می تواند داشته باشد یا ارزش کار خود را نمی داند، تکرار می کنم، ارزش کار خود را نمی داند یا فکر می کند آنچه دارد انجام می دهد به دردش نمی خورد این هم یک جور ارزش نداشتن است، ولی ممکن است بگوید من می دانم ارزش دارد ولی به کار امروز نمی آید، یا معتقد است یک کارهای بالاتری هست، می گوید نه کار من ارزش است، ولی ارزشمندتر از این داریم، یا تحت تاثیر تبلیغات سنگین، می رود در خیابان، علیه حوزه، علیه روحانیت، علیه مذهب، علیه همه چیز دارند حرف می زنند، دلسرد می شود البته عوامل معنوی هم هست. وقتی کسی نگاهش را کنترل نکرد، زیانش را کنترل نکرد، هر لقمه ای را خورد، شهریه گرفت ولی کار نکرد، آرام آرام روحیه اش کسل می شود روحیه خسته می شود تا جایی که ممکن است عاق امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بشود.

ارزش طلبگی و احترام فرشتگان به طلبه

طلاب گرامی کاری زیر این آسمان به عظمت و عزت کسب معارف اهل بیت نیست چه کاری بالاتر از این؟ ارزش معنوی و حتی در دنیا ارزش کارایش در دنیا، کار بهتر از این؟! روایت می فرماید، «ساعة يتكىء العالم على فراشه»، یک لحظه یک طلبه یک عالم، تو منزلش نشسته است دارد مطالعه می کند معارف دین، از هفتاد سال عبادت یک عابد بالاتر است، طالب علم، نمی گوئیم مرجع تقلید، می گوید طالب علم، ولو طلبه سال اول وقتی راه می رود فرشتگان بالشان را پهن می کنند زیر پای این طلبه، خب این که لازم نیست فرشته بال پهن کند می دانید که این بیان ها بیان های سمبلیک است، یعنی منزلت طلبه فوق ملک است.

دوران طلبگی؛ دوران شیرخوارگی

شما الان کاری که دارید می کنید ادبیات، صرف و نحو و لغت معانی بیان، بعد اصول فقه، بعد فقه، رسائل مکاسب، اینها شیر مادر است برای شما، یعنی شما دو نوع شیرخوارگی داشته و دارید، و یکی هم الان، اینکه می گوئیم شیرخوارگی چون طرف هشتاد سالش است خوب کشاورزی می کند می گویند خوب شیر خورده است، دیگری بیست و پنج سالش است مجمع الامراض است، می گویند شیر خوب نخورده است، نمی گویند دیشب شیر نخورده است می گویند شیر خوب نخورده است، یعنی آن دو سال اول، به سلامتی انسان برای هشتاد سال و نود سال شکل می دهد قوتاً و ضعفاً این ده سال و دوازده سال شما به حیات علمی و عالمانه شما و حتی تهذیب و اخلاق شما شکل می دهد قوتاً و ضعفاً چرا بعضی ها مثل خوره می افتند به جان برخی دیگری که برای چه این را می خوانی؟ در کتاب «صراط» نوشتم که چه جوری برگردیم تقویت بکنیم بدون اینکه به ادامه درسمان لطمه بزند، نگاه کنید در کتاب صراط، دوران شیرخوارگی دورانی که ما بعداً می خواهیم با قرآن، با روایات اهل بیت علیهم السلام مرتبط بشویم از نظر قلم، قرآن می فرماید: ن والقلم، قسم به قلم، قلم ممکن است یک معنای واقعی داشته باشد ولی قطعاً ظاهرش هم مراد است، قسم به قلم و آنچه می نویسند، و ما یسطرون، پیامبر اسلام فرمودند سه چیز است که حجاب را می برد، و به فرشتگان می رسد یک صریر اقلام العلماء، صدای قلم عالمان وقتی می نویسند، قدیم قلم ها صدا می داد، "وَوَطِىْ اَقْدَامِ الْمَجَاهِدِيْنَ"؛ صدای پای رزمندگان، چقدر جهاد عظیم است، چقدر شهادت عظیم است، قدمی که رزمنده بر میدارد فرشتگان ثبت می کنند ولی هیچ مقدم نشده است بر کار عالمان، و در ده ها نص کار عالمان مقدم شده است بر کار آنها

طرف می گوید برای چه درس بخوانیم؟ شما رفتی بیینی عظمت درس خواندن و تبلیغ دین، در برخی از روایات مُرکَب عالمان بر خون شهیدان برتر شمرده شده است، ولو دماء شهدا هم بسیار عظیم است. بسیار مقدس است اشتباه نکنیم، نظام اسلامی انقلاب اسلامی ما هم تک تیرانداز می خواهد، سرباز، هم فرمانده می خواهد. هم فکر موشکی داشته باشد هم عالم می خواهد. امروز مرضی آمده است به نام کرونا، امروز پزشکان ما، پرستاران ما، کادر پزشکی ما، حرف اول را می زنند یک زمانی جنگ است. رزمندگان یک جایگاه دارند در کنارشان، فرهیختگان و عالمان هم باید باشند. ما در تراث دینی مان باید هنرمان این باشد این ها را بخوانیم این حکم شیر مادر را دارد، من مسئول کرسی ها نظریه پردازی در علم نقلی هستم، آنچه که از اساتید حوزه می رسد نظریات ناب است، اصلاً قابل مقایسه نیست با نهادهای دیگر گرچه آنها هم زحمت می کشند من هرگز کار نهادهای دیگر را سبک نمی کنم منتها باید پرورش داد، همه این ها به این دلیل است که یک حوزوی با تراث به کا رتحقیق می پردازد. نگوییم دیر به دنیا آمدیم نگوییم کار را علما گذشته کردند ما چه کار کنیم؟ شما چه در ادبیات و چه در لغت، چه در فقه، چه در علوم انسانی، می توانید کارهای سترگ، و بزرگ بکنید من اگر خاطرات دانشمندان غیر مسلمان دارم مناظراتی که داشتیم حرف هایی که رد و بدل شده است طولانی می شود، برایتان عرض کنم متوجه می شوید که چقدر ظرفیت دارد حوزه و چقدر حوزه می تواند به یک طلبه ظرفیت بدهد توان بدهد.

می توان مرضی امام زمان بود در همین دوران طلبگی

شما اگر این کارهایی که می گوئیم انجام بدهید، مرضی امام زمان خواهید بود قره العین امام زمان خواهید شد. تنها شیخ مفید و شیخ صدوق نیستند که نور چشم امام زمان بودند و می توانستند باشند یک طلبه ای که دارد گوشه مدرسه حرکت می کند سال اول ممکن است امام زمان بیایند بفرمایند دعایت می کنم امام زمان برای بعضی از سربازانشان صدقه می دهند، برای بعضی از سربازانشان قرآن می خوانند، برهانش را بگویم برایتان، مگر پدر فرزند خویش را دوست نمی دارد مگر امام رضا علیه السلام فرمودند نسبت به شما پدر مهربان هستیم، ما الان خیلی از پدرها را داریم هر روز برای بچه هاشان نماز می خوانند مادرهایی داریم که برای بچه هاشان صدقه کنار می گذارند.

امام زمان علیه السلام هم همین کار را انجام می دهند، همینطور که ما باید برای امام زمان صدقه بدهیم دعا کنیم، همین جا بگویم، از همین الانی که صدای من را می شنوید، اگر تا الان عمل نمی کردید روزی دو رکعت نماز برای سلامتی امام زمان، برای ارتباط با امام زمان بخوانید. این لامپ را می بینید روشن است، اگر این لامپ متصل به کارخانه مولد نباشد یک شیشه است و خطرناک هم است، اما وقتی می شود وصل به کارخانه برق خودش می شود نور برای من و شما هم نور می دهد، ارتباط ما با امام زمان عجل الله تعالی فرجه مثل ارتباط با این لامپ است با کارخانه مولد برق، به من و شما نورانیت می دهد این ارتباط، البته امام زمان هم نورانیتش به خاطر ارتباط با خدا است، چون همه نورها به خدا بر می گردد، الله نور السماوات و الارض، و دومی هم ندارد، منتها شما می خواهید این لامپ را روشن کنید کلید می زنید، این کلید ارتباط می دهد لامپ را به کارخانه مولد برق آن د و رکعت نماز زدن کلید است هر روز، فرق هم نمی کند؛ صبح - ظهر - شب، من خودم بعد از نماز صبح می خوانم یا قبل از نماز صبح، دو رکعت نماز و توسل. این کار را تا آخر عمر انجام دهید، حتی نشسته هم اگر ناچار شدیم نشسته، خوابیده، دو رکعت نماز برای امام زمان، نماز هم لازم نیست وارد بشود، الصلاةخیرموضوع فمن شاء استقل و من شاء استکثر؛ و اگر این کار را انجام دادید بعد از طریق اساتیدتان خود جناب آقای فقهی ذکر بعدی را می گویم. اعتقادات خوبی داریم، ای کاش فرصت بود یک مقایسه ای می کردیم بین باورهای یک شیعه با باورهای اهل تسنن، حتی بین مسلمان با غیر مسلمانان خدایی که در نهج البلاغه ای است با خدایی که از سقیفه می آید بیرون.

رشد و بالندگی در توفان حوادث و فراز و نشیب روزگاران

این حرف هایی که بیرون می بینید علیه حوزه، علیه روحانیت، علیه مذهب، بسیار بدترش هم در گذشته بوده است، چند شب پیش می خواندم زندگی فیض کاشانی را آن عالم بزرگ که بعضی ها گفتند در این چهارصد سالی که ازش می گذرد، ایشان متولد هزار و هفت است، در این چهارصد سال کسی به جامعیت فیض نیامده است حالا یک آقای گفته است در چهارصد سال آینده هم نمی آید گفتم این را نگویند آینده را چه می دانی؟ مگر تهمت صوفیه بودن، مگر تهمت غیر مذهب بهش نزدند که اصفهان را رها کند امامت جمعه اصفهان یعنی عالم اول کشور پهناور ایران برود کاشان البته اهل کاشان هم بود. یا این که ملا صدرا برود کهک قم.

یک نفر یک چیزی می گوید دو نفر هم سلام می کنند، مگر برای اینها درس می خوانیم در هر صورت ما باید به وظیفه خود فارغ از خوش آمدن این و آن عمل کنیم و آن این که ما باید عالم بشویم، یک فهم دین، عمل به دین، و انتقال بدهیم به دیگران، فهم و عمل و نقل به دیگران، امیدوارم شما را در آینده در سیمایی عالمان بزرگ ببینیم و در قیامت در صف عالمان بزرگ همه ما محشور بشویم، توفیقی بود برای من که این فرصت را پیدا بکنم از جناب آقای فقیهی که این فرصت را ایجاد کردند، مدیریت محترم، جناب آقای محمدی، تولید مکرّم جناب آقای موسوی تشکر می کنم امیدوار هستم آنچه صلاح بوده بر زبان من جاری شده باشد، ولی قرارمان یادمان نرود، یک بار دیگر روی این سخنان تامل کنید البته با کمک و هدایت و دلالت اساتیدتان، ما یک ارتباط نیم ساعتی تقریباً با هم داشتیم، اما باید با کسانی که خیلی بیشتر ارتباط دارید اساتیدتان، مدیریت و بزرگانی که بیشتر ارتباط دارید بار اصلی با آنها است، هدایت اصلی را آنها باید داشته باشند که دارند، دلالت را باید آنها داشته باشند.

الحمد لله رب العالمین